

## بررسی تطبیقی سیاست خارجی روسیه در قبال قره‌باغ و اوکراین

حبیب‌اله ابوالحسن شیرازی<sup>۱</sup>، احسان جعفری‌فر<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

### چکیده:

ارمنستان و آذربایجان و اوکراین در خارج نزدیک روسیه قرار دارند. تحولات خارج نزدیک برای روسیه پس از فروپاشی شوروی بسیار بااهمیت است. از همین رو وقوع بحران قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۰ که منجر به درگیری ۴۴ روزه ارمنستان و آذربایجان شد و همچنین تلاش اوکراین در نزدیک شدن به غرب موجب واکنش روسیه شد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی روسیه در قبال قره‌باغ و اوکراین چگونه بوده است؟ یافته‌ها در چارچوب منطقه‌گرایی مکتب کپنهاگ بیانگر این مطلب است که روسیه نسبت به تحولات منطقه پیرامون خود تلاش داشته است تا به دنبال نزدیک شدن دولت غرب‌گرای ارمنستان به عدم‌مداخله در جنگ قره‌باغ و حمایت از این کشور در قبال آذربایجان دست زند، درحالی‌که به سبب نزدیک شدن دولت اوکراین به غرب و تلاش برای پیوستن به ناتو به اقدام تهاجمی دست‌زده است. باین‌حال به نظر می‌رسد سیاست روسیه نسبت به ارمنستان در مقایسه با اوکراین به سبب عدم تحریم روسیه، حمایت افکار عمومی از میانجیگری روسیه و استقرار نیروهای حافظ صلح دستاوردهای موفقیت‌آمیزتری نسبت به محکومیت حمله به اوکراین، اعمال تحریم علیه روسیه و عدم‌حمایت در سازمان ملل داشته است.

**واژگان اصلی:** اوکراین، قره‌باغ، ارمنستان، سیاست خارجی روسیه، کپنهاگ.

۱. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

habib\_shirazi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران

## مقدمه

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های سابق آن تحت تأثیر انقلاب‌ها و اعتراضات گسترده قرار گرفته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها انقلاب رز در گرجستان در سال ۲۰۰۳ (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۷: ۱-۱۴)، انقلاب نارنجی در اوکراین در سال ۲۰۰۴ (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۷: ۷۲-۷۹)، انقلاب لاله‌ها در قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱). این تحولات در پیرامون کرملین به‌منزله تلاش غرب برای بی‌ثبات کردن این کشورها و کاهش نفوذ روسیه است. در سال ۲۰۰۸ روسیه استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان را به رسمیت شناخت. اقدام نظامی روسیه علیه گرجستان پیام روشنی بود مبنی بر اینکه روسیه آماده است از نیروی نظامی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده کند. در سوی دیگر در پی اعتراضات یورو میدان در کیف پایتخت اوکراین در سال ۲۰۱۴، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، غرب را به سرنگونی رئیس‌جمهور مورد حمایت مسکو-اوکراین متهم کرد و گفت که ایالات متحده در تلاش است روسیه را تحت سلطه خود درآورد. به‌رحال تلاش‌های گرجستان و اوکراین برای عضویت مؤثر در اتحادیه اروپا و ناتو با توجه به جنگ اوت ۲۰۰۸ و بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ نه‌تنها تا حدی مهار شد بلکه تا آوریل ۲۰۱۸، ارمنستان به‌شدت به روسیه وابسته بوده است. اما وقتی نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور در سال ۲۰۱۸ به قدرت رسید موضع علنی ایروان در قبال روسیه و اگر ا و نسبت به منطقه قره‌باغ از پیش نیز سخت‌تر شد. در سوی دیگر تا سال ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور اوکراین، ویکتور یانوکوویچ، می‌خواست اوکراین به روسیه وفادار باشد. لذا او تصمیم گرفت برای نزدیک‌تر کردن اوکراین به اروپا قرارداد تجاری امضا نکند که منجر به تظاهرات اوکراینی‌ها و جایگزینی با دولتی شد که به‌جای روسیه از اروپا حمایت می‌کرد که با تشدید تلاش اوکراین برای پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو با واکنش نظامی روسیه روبرو شد. در چارچوب منطقه‌گرایی مکتب کپنهاگ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری با اسناد کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی روسیه در قبال قره‌باغ و اوکراین چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به حساسیت روسیه به تحولات منطقه پیرامون خود مبنی بر نزدیک شدن دولت غرب‌گرای ارمنستان روسیه و دولت اوکراین روسیه به سبب درگیر شدن آذربایجان به ارمنستان خود اقدام نظامی نکرده و به سبب عدم تحریم روسیه، حمایت افکار عمومی از میانجیگری روسیه و استقرار نیروهای حافظ صلح در مقایسه با اوکراین که برای پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو به اقدام تهاجمی دست‌زده ولی با محکومیت حمله به اوکراین، اعمال تحریم علیه روسیه و عدم حمایت در سازمان ملل همراه بوده موفقیت بیشتری کسب کرده است.

## چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ مبنای مطالعاتی خود را بر فهمی واقع‌گرایانه از سیاست و امنیت بین‌الملل قرار داده است و اینکه هم‌زمان از بصیرت‌های سازه‌انگاری (به‌طور مشخص در بحث از الگوهای دوستی و دشمنی)، نظریه‌های زبانی (در نظریه امنیتی نمایی) و مطالعات صلح رویکردهای انتقادی به معنای عام در بحث از گسترده سازی یا مضیق سازی مفهوم امنیت و بحث بخش‌ها، در تحلیل خود بهره‌گیری می‌نماید. بوزان چهره برجسته این مکتب «پیگیری رهایی از تهدید» را هسته مرکزی در تعریف امنیت از نگاه مکتب کپنهاگ می‌داند. او امنیت را برابر بارهایی از تهدید می‌داند که در چارچوب نظام بین‌الملل به توان دولت‌ها و جوامع به‌منظور حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن‌ها مربوط می‌شود... به عبارتی بوزان با ارائه تفسیری موسع از مفهوم امنیت، در بعدی ترکیبی از مؤلفه‌های نظامی و غیرنظامی، به‌جای تعریفی محدود از مقوله امنیت ملی در بعد صرفاً نظامی، تلاش می‌کند تا تصویری از امنیت در ابعاد فردی، ملی و بین‌المللی را نیز در رویکرد خود لحاظ کند. در این مکتب مجاورت جغرافیایی، نظام ارزشی همسو یا غیر تقابلی، اقتصاد مکمل، الگوی دوستی و دشمن مشترک و اراده قدرت‌های پیش‌برنده منطقه‌ای از مولدهای اصلی پیش‌برنده منطقه‌گرایی درون‌زا و امنیت از منظر نظریه کپنهاگ است (الهی نیا و شاه‌محمدی، ۱۴۰۰:۱۳۰).

یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز کشورهایی هستند که به‌طور گسترده در این روابط حضور دارند. دیگر ویژگی تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» است. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد. وابستگی متقابل شدید، حضور یا «احساس تهدید و ترس متقابل» میان دو یا چند کشور قدرتمند درون مجموعه، نقش عوامل اقتصادی، وابستگی شدید امنیتی متقابل، الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر و استقلال نسبی را به‌عنوان ویژگی‌های تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای برشمرد (احمدی یقین، ۱۳۹۹:۱۱۹).

در طول صدسال گذشته، اروپا سه تغییر زمین‌ساختی ژئوپلیتیکی را تجربه کرده است که تأثیر عظیمی بر روابط قدرت در منطقه داشته است: جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و فروپاشی اتحاد

جماهیر شوروی و رژیم‌های اقماری آن در اروپای شرقی. جنگ جهانی اول منجر به فروپاشی چهار امپراتوری قدرتمند اروپایی شد (امپراتوری عثمانی - یا همان‌طور که در آن زمان به‌عنوان "مرد بیمار اروپا" نامیده می‌شد - در بیشتر قرن نوزدهم به تدریج ضعیف شده بود؛ ناقوس مرگ آن. با شکست در جنگ جهانی اول همراه شد). روسیه بخش‌های عظیمی از خاک را از دست داد و با پیروزی انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷، نظام سیاسی آن دستخوش تحولی شد که قرار بود کل جهان را تهدید کند. بسیاری از کشورها و مناطقی که در طول قرن‌ها جذب امپراتوری روسیه شده بودند از کنترل مسکو جدا شدند. فنلاند و لهستان استقلال خود را بازیافتند. استونی، لتونی و لیتوانی به‌عنوان کشورهای مستقل ظاهر شدند. حتی بلاروس و اوکراین موفق شدند برای مدت کوتاهی از روسیه جدا شوند، مانند کشورهای قفقاز جنوبی - گرجستان، ارمنستان و آذربایجان - و ترکستان (آسیای مرکزی کنونی) قبل از اینکه رژیم شوروی دوباره جذب شود و امپراتوری جدیدی را تشکیل دهد. در دهه ۱۹۲۰ - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (شوروی). جنگ جهانی دوم ویرانی عظیمی را برای زندگی میلیون‌ها انسان به ارمغان آورد و ساختارهای ژئوپلیتیک اروپا را آشفته کرد. پیمان بدنام مولوتوف-ریبنتروپ و پروتکل محرمانه آن در ۲۳ اوت ۱۹۳۹، بخش زیادی از اروپای شرقی را بین آلمان آدولف هیتلر و اتحاد جماهیر شوروی جوزف استالین تقسیم کرد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ با سقوط نظام کمونیستی و تسلط شوروی بر اروپای شرقی دو سال پیش از آن صورت گرفت. حوزه نفوذی که کرملین بسیار برای ایجاد و حفظ آن مبارزه کرده بود در هم شکست. نه تنها محیط بیرونی کشورهای اقماری شوروی سابق در اروپای شرقی حاکمان کمونیست خود را کنار زد، بلکه آن‌ها به اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیوستند - چیزی که فقط چند سال قبل قابل تصور نبود. حتی بدتر از آن برای مسکو این واقعیت بود که اتحاد جماهیر شوروی سابق - کشوری متشکل از ۱۵ جمهوری اتحادیه - دیگر وجود نداشت و به‌جای آن، ۱۵ کشور مستقل ظهور کردند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهان خارج به نقطه‌ای رسیده است که اکنون جمهوری‌های شوروی سابق را به‌عنوان نهادهای جداگانه‌ای می‌بیند که به مسکو وابسته نیستند. اگر آن‌ها اصلاً گروه‌بندی شوند، از نظر جغرافیایی عبارت‌اند از: کشورهای بالتیک (استونی، لتونی، لیتوانی)، اروپای شرقی (بلاروس، مولداوی، اوکراین)، ماوراء قفقاز (ارمنستان، آذربایجان، گرجستان) و آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان).

روسیه از جایگاه تنزل یافته خود از یک ابرقدرت به قدرت بزرگ راضی نیست، بازگشت مجدد به عنوان ابرقدرت را هدف استراتژیک بلندمدت خود قرار داده است ولی از آنجایی که این هدف در کوتاه مدت قابل تحصیل نیست بنابراین به دنبال حفظ ساختار فعلی است (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۷۹-۷۸). این کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با دو چالش جدی برای هژمونی خود بر حوزه نفوذ خود روبه‌رو بوده است: گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴. در هر دو مورد، روسیه از نیروی نظامی برای مقابله با تهدیدهای واقعی و درک شده ناشی از آن چالش‌ها استفاده کرد؛ یعنی اینکه کشورها در حال تبانی با غرب بودند که تهدیدی مستقیم برای روسیه بود (Berls, 2021:6). به نظر می‌رسد با این اقدامات روسیه و عقب‌نشینی غرب در برابر روسیه در زمینه مخالفت با عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو در مقطعی که اساساً به دلیل تهدیدهای روسیه صورت گرفت و نیز افزایش تردیدها درباره استقرار سپر دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی در کنار افزایش قابل توجه قدرت نظامی روسیه و از سرگیری پرواز بمب‌افکن‌های استراتژیک این کشور همگی نشانه‌هایی از احیاء قدرت روسیه در سطح بین‌المللی ظاهر شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۳).

### سیاست خارجی روسیه در خارج نزدیک (منطقه قره‌باغ)

برای رهبران روسیه مستقل که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پدید آمدند، میراث امپراتوری شوروی و روسیه هم به عنوان الهام‌بخش و هم توجیهی برای ادعای آن‌ها برای داشتن موقعیت قدرت بزرگ به نظر می‌رسید. در دوران حیات حکومت اتحاد جماهیر شوروی، نزاع جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ از حد اعتراضات گاه‌وبیگاه طرفین فراتر نرفت و این به خاطر، فضا برای طرح خواسته‌های اقتدار آهین مسکو در آن دوران بود ولی با انجام اصلاحات گورباچف درباره قره‌باغ به تدریج از سال ۱۹۸۸ اختلاف بین ارمنه و آذری‌ها در جنوب قفقاز آشکار شد. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۸: ۶۴-۵۹) مجلس قره‌باغ در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ به جدایی کامل قره‌باغ از جمهوری آذربایجان و پیوستن آن به ارمنستان رأی داد. درگیری جدی بین دو کشور قفقاز جنوبی در سال ۱۹۸۸ هنگامی آغاز شد که ارمنستان ادعاهای سرزمینی خود علیه جمهوری آذربایجان را مطرح کرد. آرزوی دستیابی به ارمنستان بزرگ، شکل‌گیری یک شبکه قوی از مهاجران ارمنی در کشورهای دیگر (دیاسپورا) و قدرت یافتن این گروه در

کشورهای غربی و روسیه و در نهایت بروز وجوه رادیکالیستی و چپ‌گرایانه در میان نخبگان ارمنی باعث شکل‌گیری یک نیروی عظیم روانی - اجتماعی برای احزاب افراطی مانند داشناکسیون<sup>۱</sup> اشغال قره‌باغ در فاصله مابین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ گردید. پشتیبانی روسیه و جنگ حاکمیت در باکو از دیگر عواملی بودند که به اشغال ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان توسط نیروهای ارمنی و آواره شدن یک میلیون آذربایجانی منجر شد. در این جنگ نیروهای ارمنی موفق شدند علاوه بر منطقه قره‌باغ کوهستانی هفت منطقه دیگر جمهوری آذربایجان را نیز که در اطراف منطقه قره‌باغ کوهستانی قرار داشتند به اشغال نظامی خود درآوردند (خیری، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

در کل سیر تاریخی تا ۲۰۲۰ بدین شرح است:

- ۱۹۱۸ اعلام استقلال جمهوری دموکراتیک ارمنستان و جمهوری دموکراتیک آذربایجان
- ۱۹۲۰ جنگ ترکیه - ارمنستان و ارمنستان - آذربایجان؛ معاهدات مسکو و قارص؛ تهاجم شوروی؛ تأسیس جمهوری سوسیالیستی ارمنستان و جمهوری سوسیالیستی آذربایجان
- ۱۹۲۲ الحاق این دو کشور به اتحاد جماهیر شوروی
- ۱۹۲۳ ایجاد منطقه خودمختار قره‌باغ کوهستانی
- ۱۹۸۸ درخواست الحاق قره‌باغ کوهستانی به ارمنستان
- ۱۹۹۱ اعلام استقلال ارمنستان و آذربایجان، اعلام استقلال قره‌باغ کوهستانی، آغاز جنگ
- ۱۹۹۲ تأسیس «گروه مینسک» (آمریکا، فرانسه، روسیه)
- ۱۹۹۴ آتش‌بس؛ ارمنستان هفت ناحیه آذربایجان را اشغال کرده و تقریباً تمام قره‌باغ کوهستانی یا ۱۵ درصد از خاک آذربایجان را تحت کنترل دارد.
- ۲۰۱۶ درگیری‌های خشونت‌آمیز
- ۲۰۲۰ فتح مجدد نواحی اشغالی و بخشی از قره‌باغ توسط آذربایجان، آتش‌بس
- ۲۰۲۱ توافقنامه سه‌جانبه مسکو؛ موافقت‌نامه ایجاد کمیسیون مرزی؛ حوادث مرگبار

(Tertrais, 2021)

در طی بحران قره‌باغ روسیه حمایت‌های آشکار و نهان فراوانی از ارمنستان به عمل آورد. روسیه و ارمنستان در سال ۱۹۹۷ با تصویب اصلحیه‌ای بر قرارداد همکاری نظامی سال ۱۹۹۲، آن را به مدت ۲۵ سال دیگر تمدید کردند. در این اصلحیه روسیه متعهد می‌شود که پایگاه‌های

<sup>۱</sup> DASHNAKTSUTYUN PARTY

نظامی مستقر در ارمنستان، علاوه بر منافع ملی روسیه، امنیت ارمنستان را نیز تأمین کند و همچنین با به‌روزرسانی فناوری و سیستم‌های نظامی موجود در ارمنستان در تضمین امنیت این کشور در قبال جمهوری آذربایجان نقش بیشتری ایفا کند. دربند دیگری نیز مدت‌زمان استقرار پایگاه‌های نظامی روسیه برای ۲۴ سال دیگر تمدید شده و به ۴۹ سال رسید (زهرانی و فرجی لوحه سرا، ۱۳۹۲: ۱۲۱). جمهوری آذربایجان مدعی است که در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ روسیه به ارزش بیش از یک میلیارد دلار سلاح سنگین از جمله موشک‌هایی که تا باکو برد دارند را به‌صورت بلاعوض به ارمنستان تحویل داده است (زهرانی و فرجی لوحه سرا: ۱۳۹۲: ۱۱۰).

### دستاوردهای روسیه در بحران قره‌باغ

در ادامه به دستاوردهای روسیه با عدم‌مداخله در حمایت از ارمنستان در مقابل آذربایجان می‌توان این موارد را بیان کرد:

#### ۱- برجسته‌سازی نقش روسیه نسبت به رقبا در بحران

اقدامات روسیه در جریان بحران قره‌باغ متأثر از تحولات میدانی و فضای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفت که پیامدها و پیام‌های خاص خود را داشت. اول اینکه توافقنامه صلح با میانجی‌گری صرف روسیه میان دو طرف جمهوری آذربایجان و ارمنستان صورت گرفت و آمریکا و فرانسه در آن حضور نداشتند. این در حالی بود که دو کشور مذکور در ۲۶ سال گذشته یک پای ثابت مذاکرات صلح قره‌باغ بودند که به نتیجه نرسیده بود. پیام این وضعیت برای رقبای جهانی ژئوپلیتیک روسیه که به دنبال نفوذ در منطقه قفقاز جنوبی هستند بسیار روشن و دقیق است. تلاش برای تضعیف نقش گروه مینسک و در حقیقت حضور بازیگران غربی و استقرار نیروهای روسی در منطقه مورد مناقشه در این چارچوب قابل ارزیابی است (خیری، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در سوی دیگر روسیه با ترکیه به‌عنوان یک قدرت رقیب در همسایگی خود مواجه است. این دو کشور از متحد بودن فاصله زیادی دارند: اهداف آن‌ها در خاورمیانه اغلب در تقابل مستقیم با یکدیگر قرار دارند ولی هر دو متوجه هستند که به یکدیگر در مسائل منطقه‌ای نیاز دارند، زیرا بدون موافقت دیگری نمی‌توانند به اهداف خود برسند (Liik, 2020:4). در حالی که ترکیه در تلاش برای حضور در مذاکرات صلح بود به دلیل حمایت سیاسی و نظامی از جمهوری آذربایجان انتظار داشت اما روسیه اجازه این امر را به آنکارا نداد.

## ۲- استقرار نیروی صلح بانی روسیه

حضور نظامی روسیه در قره‌باغ یک برگ برنده برای پوتین محسوب می‌شود که سال‌ها منتظر چنین فرصتی بود تا یک نیروی نظامی قابل توجه و مشروع در خاک آذربایجان مستقر کند. در حقیقت این توافق فراتر از تمام معادلات میدانی موجود و سوا از اینکه دو طرف باکو و ایروان به دست آوردند یک تلاش روسی برای «بازسازی بخشی از حریم امنیتی اتحاد جماهیر شوروی سابق» است. برای همین است که در محافل غربی از توافق آتش‌بس قره‌باغ، به‌عنوان «روش روسی» یا «توافق مسکو» برای پایان درگیری ۴۴ روزه نام‌برده می‌شود (خوش‌آیند، ۱۳۹۹). علاوه بر ورود نیروهای امنیتی روسیه درون خاک آذربایجان است که تا سال‌ها تداوم خواهد یافت همچنین بر اساس بند ۳ قرارداد مذکور، در گذرگاهی که برای ارتباط بین ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی در منطقه لاجین اختصاص یافته، تعداد ۱۹۶۰ نیروی صلح‌بان روسی با ادوات و تجهیزات نظامی مربوطه مستقر خواهند شد و وظیفه کنترل و نظارت بر آن را بر عهده خواهند گرفت. حضور نیروهای روسیه در جمهوری آذربایجان مکمل حضور نیروهای این کشور در پایگاه نظامی گیومری و تکمیل پازل حضور نظامی روسیه در قفقاز جنوبی ارزیابی شده است (جوکار، ۱۳۹۹). بدون شک استقرار نیروهای روسی در قره‌باغ با ظاهر صلح بانی و به دست گرفتن کنترل خطوط ارتباطی شامل کریدور لاجین و کریدور در حال طراحی آذربایجان - نخجوان بزرگ‌ترین دستاورد ژئوپلیتیک روسیه در منطقه خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر مهار سه‌گانه آذربایجان، ارمنستان و ترکیه در این منطقه حساس البته پیروزی بی‌ظنیری برای مسکو رقم خواهد زد. نباید فراموش کرد که روسیه با تثبیت حضور خود در منطقه توانست بر میزان وابستگی ارمنستان به مسکو بیفزاید و خط بطلانی بر رویکرد غرب‌گرایی سیاستمداران این کشور بکشد (درآباد، ۱۳۹۹) به‌علاوه روسیه علیرغم نگرانی از حضور نیروهای روسی از سوی بسیاری از سیاستمداران در آذربایجان که آن را در تضاد با منافع ملی و قانون اساسی دانسته‌اند و از آن با عنوان ارتش اشغالگر نام‌برده‌اند، به قفقاز بازگشته و در صورت مدیریت دقیق در دوره کنونی صلح بانی همراه با ارائه خدمات سیاسی و امنیتی، امید دارد تا امکان تمدید دوره حضور نظامی در آن کشور را فراهم کند (پولاب، ۱۳۹۹).

## ۳- جلوگیری از شکست کامل ارمنستان

از زمان استقلال ارمنستان در سال ۱۹۹۱، نخبگان سیاسی این کشور تحت تسلط کارمندان شوروی سابق و محافظه‌کاران ایدئولوژیکی بوده‌اند که از دموکراسی غربی فاصله‌دارند. مسکو از این



سیستم متفجع شده و نخبگان سیاسی ریشه‌دار در پایتخت ایروان را موافق و حامی سیاست‌های آن در منطقه یافته است. بدین ترتیب ارمنستان شریک قابل اعتماد روسیه در قفقاز جنوبی بوده و حوزه نفوذ روسیه را به چالش نکشیده است. با این حال بعد از ۸ دسامبر ۲۰۱۸ که نیکول پاشینیان به نخست‌وزیری رسید نخبگان قدیمی را مجبور به بیرون راندن کرد (Berls, 2021:6). پاشینیان به دنبال سیاست واگرایی ارمنستان از روسیه اقدام به بازداشت روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور اسبق و متحد پوتین، گشوده شدن پرونده قضایی برای مقامات پیشین، پاک‌سازی دستگاه‌های دولتی از عناصر روس گرا، تعطیلی مدارس روس زبان و قطع کانال‌های تلویزیونی روسیه برآمد. همچنین در محافل سیاسی ارمنستان فراخوانی برای خروج پایگاه‌های روسی هم مطرح شد که تهدیدی علیه منافع روسیه تلقی می‌شد (درآباد، ۱۳۹۹). او در سال ۲۰۱۶ به موافقت‌نامه روسیه و ارمنستان در مورد سیستم یکپارچه دفاع هوایی منطقه‌ای در قفقاز رأی منفی داد و مدعی شد که ارمنستان باید سیستم دفاع هوایی خود را توسعه دهد. در دسامبر ۲۰۱۸، او گفت که ارمنستان به دنبال عضویت در ناتو نیست اما به حفظ روابط با این سازمان ادامه خواهد داد (ORUÇ, 2020:2). ارمنستان در دسامبر ۲۰۱۸ به قطعنامه سازمان ملل درباره خلع اشغال کریمه رأی داد. این قطعنامه نگرانی شدیدی را در مورد تجمع نیروهای نظامی روسیه در کریمه ابراز کرد و از روسیه خواست به «اشغال موقت» خود پایان دهد در حالی که پوتین در دیدار خود با پاشینیان بر لزوم تداوم همکاری در عرصه بین‌المللی، به‌ویژه بر سازمان ملل و جایی که دو ملت همیشه از یکدیگر حمایت کرده‌اند، تأکید داشت (Terzyan, 2022:3).

هنگامی که ارمنستان در جنگ با آذربایجان مغلوب شد این روسیه بود که از موضع قدرت توانست بر سر میز مذاکره حاضر شود و ارمنستان نیز از آن استقبال کند. با این حال، توافق آتش‌بس از شکست قطعی ارمنستان و اخراج احتمالی ساکنان ارمنی قره‌باغ جلوگیری کرد که از یک بعد به دلایل مذهبی مطلوب ارمنستان و روسیه می‌توانست باشد. روسیه برای محافظت از ساکنان ارمنی این منطقه و دورنگه داشتن دو طرف متخاصم و پاسداری از دالانی که ارمنستان را به قره‌باغ متصل می‌کند دو هزار صلح‌بان به منطقه اعزام کرد. اکنون دسترسی ارمنستان به قره‌باغ توسط نیروهای نظامی روسیه تضمین شده است. بدین ترتیب مسکو پیامی واضح به ایروان می‌فرستد مبنی بر اینکه امنیت ارمنستان هنوز به حمایت روسیه وابسته است و اگر از این وابستگی خارج شود روسیه می‌تواند به‌طور غیرمستقیم تمامیت ارضی ارمنستان را تهدید کند. همچنین روسیه می‌تواند این استدلال را مطرح کند

که حضور بیشتر روسیه در ارمنستان برای جلوگیری از تشدید درگیری و حمله آذربایجان ضروری است. مورد دیگر از اهداف اصلی روسیه در قفقاز جنوبی می‌تواند جلوگیری از ایجاد آذربایجان بزرگ و نظارت بر روابط با ترکیه باشد (Snyder, 2018). به‌هرحال آنچه به نظر یک ضرورت مهم برای روسیه در قبال ارمنستان هر زمان لازم بداند با رویکرد بی‌طرف و متعادل برخورد می‌کند موردی که در بیانیه‌های خود در جریان انقلاب مخملی ۲۰۱۸ و هم در تلاش شبه کودتای نافرجام نیروهای ارشد ارتش ارمنستان در سال ۲۰۲۱ نشان داد (Grigoryan, 2022:2) و به دولت ارمنستان گفته است که پیمان نظامی ایروان و مسکو صرفاً شامل مرزهای رسمی این کشور می‌شود و ربطی به قره‌باغ ندارد؛ بنابراین وقتی جمهوری آذربایجان دست به حمله زد، ارمنستان تنها بود (گابوئف، ۲۰۲۰). با این حال روسیه اجازه نمی‌دهد ارمنستان متحمل خسارات عمده ارضی شد، اما با رویکرد ناقص خود در حمایت از ارمنستان باعث می‌شود تا این کشور عواقب واگرایی از روسیه را در نظر بگیرد (Snyder, 2018) چنانچه رسانه‌های روسیه، پاشینیان را مسئول شکست در این جنگ معرفی کرده و دلیل آن را ناشی از رویکرد تقابلی پاشینیان با روسیه و طرفداری از غرب عنوان می‌کنند. رسانه‌های روسی همچنین ادعاهایی درباره افزایش مخالفت‌های داخلی در ارمنستان منتشر کرده‌اند. اینکه، روسیه از طریق احساس ناامنی ایجادشده در میان مردم ارمنستان به دنبال تبلیغ این ایده است که ایروان بدون حمایت مسکو نمی‌تواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد با تشدید احساس تهدید در ارمنستان بعد از شکست و اینکه روسیه در پیشروی آذربایجان و تحت کنترل گرفتن تمام مناطق اطراف قره‌باغ ظاهر شد. به عبارتی شکست ارمنستان توسط آذربایجان، سطح آسیب‌پذیری ایروان را بیشتر کرده است و روسیه از این احساس خطر برای ترغیب جمعیت و رهبری ارمنستان برای نزدیکی بیشتر به روسیه بهره می‌برد (Minzarari, 2020).

#### ۴- تقویت قدرت نرم روسیه

بعد از فروپاشی شوروی و از اواسط دهه ۲۰۰۰، روسیه تلاش کرده است تا مفهوم قدرت نرم را به‌عنوان یک سازوکار سیاست خارجی پیاده‌سازی کند. در سال ۲۰۱۳ بود که ایده قدرت نرم به‌طور رسمی در دکترین سیاست خارجی روسیه مطرح شد. آلکسی دالینسکی<sup>۱</sup> معتقد است، قدرت

<sup>۱</sup>Alexey Dolinsky

نرم در روسیه تعریف متفاوتی از غرب دارد و بیشتر موضوعی است که بر اهرم‌های نفوذ تأکید می‌کند؛ بنابراین، فعالیت‌های آن کشور در محدوده اهداف قدرت نرم به آن معنای رایجی که می‌شناسیم قرار نمی‌گیرد (ر.ک جعفری فر و شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۸). مسکو تلاش دارد تا نشان بدهد که رویکردها و نسخه‌های غربی برای حل بحران‌ها به‌ویژه باتجربه‌های پیشین در افغانستان، عراق و لیبی کاملاً شکست‌خورده است و نقش مسکو در چنین درگیری‌هایی سازنده‌تر و منطقی‌تر است بنابراین در بحران قره‌باغ بعد از بی‌نتیجه بودن تلاش‌های میانجی‌گری‌های سازمانده‌تر و منطقی‌تر است بنابراین تداوم درگیری بین جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان میانجیگری روسیه برای آتش‌بس به تقویت تصویر روسیه در افکار عمومی به‌عنوان عامل مؤثر و ثبات‌بخش منطقه منجر می‌شود. مسکو بعد از توافق نشان داد که پس از اتحاد جماهیر شوروی، هنوز یک بازیگر اصلی و یک شریک اجتناب‌ناپذیر در رسیدگی به مشکلات امنیتی منطقه است (Rácz, 2020) رویکرد سیاست خارجی روسیه توسط برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، نیز بیان شده است. برژینسکی معتقد است که روسیه در سیاست خارجی خود به دنبال ایفای نقش مؤثری در مدیریت کشمکش‌ها و درگیری‌ها است. به نظر او این‌یک واقعیت است که روسیه تلاش می‌کند تا بر حضور و نقش خود به‌عنوان "دولت ضروری" که قادر به انجام گفتگو با همه بازیگران اصلی منطقه است سرمایه‌گذاری کند و مورد حمایت و توجه قرار بگیرد (ر.ک جعفری فر و شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۷). در آستانه شروع جنگ در آوریل ۲۰۱۶، سرژ سرکیسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، در اول آوریل در چارچوب اجلاس امنیت هسته‌ای که در واشنگتن دی سی برگزار شد، دیدارهای جداگانه‌ای با جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا داشتند. تداوم خصومت‌ها بین طرف‌های درگیر، بر تلاش‌های ایالات متحده برای حل مناقشه سایه افکنده است. در ۵ آوریل، روسیه میانجی‌گری آتش‌بس بین ارمنستان و آذربایجان را به عهده گرفت و نشان داد که می‌تواند مناقشه را طبق شرایط خود بدون دیگر روسای مشترک گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا حل و فصل کند (Dermoyan, 2022) اما این تنها وجه قدرت نرم با محوریت نفوذ برای روسیه کافی نیست چراکه دستاورد روسیه در بحران قره‌باغ ۲۰۲۰ در این بود که بدون اقدام نظامی به نفوذ در منطقه دست یافت و وجهه یک کشور دارای نفوذ (تحت استراتژی قدرت نرم) را به نمایش گذاشت.

عباراتی چون «مسکو، پایتخت صلح»، «ولادیمیر پوتین، سازنده صلح» در روزنامه‌های هوادار پوتین در مسکو به بهانه برقراری آتش‌بس میان ارمنستان و آذربایجان برجسته شد و تأکید نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان بر نقش مسکو و در ستایش پوتین پس از امضای توافقنامه صورت گرفت (طاهری، ۱۳۹۹). روسی با رویکرد انفعالی در جنگ این امتیاز را کسب که الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان در مصاحبه خود با روزنامه ایتالیایی لا ریپوبلیکا بر نقش بی‌طرفی روسیه در چارچوب مأموریت میانجیگری در روند مذاکرات تأکید کند (IRNA, 1399). همچنین وقتی با میانجی‌گری اتحادیه اروپا، گرجستان و ایالات متحده تعداد زیادی از سربازان ارمنی از زندان‌های جمهوری آذربایجان به خانه بازگشتند، پاشینیان از پوتین تقدیر کرد در حالی که روسیه نقشی در این اقدام نداشت. او در جای دیگری گفت که ما به تقویت و توسعه همکاری راهبردی با روسیه که در زمینه امنیتی دوست شماره یک ماست، ادامه خواهیم داد. به علاوه روسیه وجه دیگر قدرت نرم روسیه را می‌توان در تمجید رویکرد غیر مداخله‌گرایانه او دید. کریل کریوشیف، روزنامه‌نگار روس می‌نویسد که عدم جانب‌داری روسیه، ایده‌ی معروف مبنی بر اینکه مسکو از غرب‌گرا بودن پاشینیان خسته شده و دنبال فرصت می‌گردد تا کوچک‌چاریانی که امتحان خود را پس داده را بازگرداند، رد می‌کند. روسیه به هیچ‌وجه نمی‌خواهد بدون هیچ دلیلی، مثل یک قدرت استعماری با تحمیل گزینه خود به ارمنستان، به اعتبار خویش در میان مردم این کشور ضربه بزند (Iras, 1400). این در حالی است که روسیه می‌داند ارمنستان بعد از شکست به او وابسته‌تر خواهد شد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در حاشیه نشست شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا در استکهلم گفت: میانجی‌گری روسیه در حل مناقشه قره‌باغ مورد استقبال کشورهای مشترک گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا قرار گرفته است (Armradio, 2021). به‌هرحال جنگ قره‌باغ که به استقرار دو هزار نظامی روس در بخش ارمنی قره‌باغ منتهی شد، وابستگی ارمنستان به روسیه را بیشتر هم کرد. نظارت روسیه بر طرح صلح بین ارمنستان و آذربایجان نشان داد که همچنان نیرو اصلی در حوزه منطقه است. برخی بیان می‌دارند که حداقل به این دلیل که روسیه بدون ورود رسمی به جنگ، عملاً این فرصت را پیدا کرد که نیروهای خود را در یکی از مهم‌ترین نقاط قفقاز مستقر کند یک موفقیت بزرگ است.

## بحران اوکراین

اوکراینی‌ها استدلال می‌کنند که خاستگاه دولت آن‌ها به هزاره‌ها قبل از اینکه کسی نام بلشویک‌ها را شنیده باشد، به روسیه کیوان و پذیرش مسیحیت توسط شاهزاده ولودیمیر در سال ۹۸۸ بازمی‌گردد (Brezar & Crowcroft, 2022). روسیه و اوکراین از قرن نهم، زمانی که کیف پایتخت ایالت باستانی روس شد، با یک تاریخ مشترک به هم مرتبط بوده‌اند. آن‌ها همچنین زبان‌های نزدیک به هم دارند و بسیاری از مردم در دو کشور دارای پیوندهای خانوادگی قوی هستند. در اوایل قرن بیستم، این دو کشور و بلاروس، هسته اسلاو اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی را تشکیل دادند. هرچند این دو همسایه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ سیاست همسو داشتند، اما در دهه ۲۰۰۰ زمانی که کیف به دنبال ادغام عمیق‌تر با اروپا بود، شروع به جدایی کرد. این روابط تا سال ۲۰۱۴ کاملاً تیره شد که در نهایت طی ماه‌ها اعتراضات مرگبار و سرنگونی دولت طرفدار روسیه در اوکراین به اوج خود رسید بدین ترتیب مسکو شبه‌جزیره کریمه اوکراین را ضمیمه کرد و روسیه به شورش جدایی‌طلبان در شرق اوکراین فشار آورد (Talmazan, 2022:3). بدین ترتیب مسکو به‌طور سستی ترتیبات امنیتی در اروپا و فراتر از آن را به‌عنوان چیزی که شبیه تقسیم قاره در قرن نوزدهم به حوزه‌های نفوذ است ترجیح می‌دهد. در این زمینه، رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین (و جانشین موقت او دیمیتری مدودف از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) اصرار داشتند که جامعه بین‌المللی فضای پس از شوروی را در حوزه نفوذ روسیه به رسمیت بشناسد و هرگونه تلاشی برای واردکردن کشورهایمانند اوکراین و گرجستان به غرب - به‌ویژه در ساختار امنیتی غرب (ناتو) - با مقاومت شدید روبرو خواهد شد (Berls, 2021:6). پوتین سال‌هاست که می‌گوید روس‌ها و اوکراینی‌ها از نظر تاریخی و فرهنگی آن‌قدر نزدیک هستند که اساساً یک ملت هستند. او همچنین گفته است که اوکراین به‌عنوان یک کشور مستقل یک سازه مصنوعی است و از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان "بزرگ‌ترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن" ابراز تأسف کرد (Talmazan, 2022:3).

آمریکا بعد از فروپاشی شوروی علیرغم اینکه به گورباچف وعده داده بود به قلمرو جمهوری‌های سابق شوروی وارد نمی‌شود اما هیچ‌گاه فرآیند محو تجدید قدرت روسیه از طریق جذب این جمهوری‌های اقماری را مسکوت نگذاشت. آمریکا برای کاهش نفوذ روسیه در عرصه منطقه‌ای و جهانی علاوه بر جذب هم‌پیمانان شوروی به ناتو (محاصره نظامی) و مبارزه با مزیت‌های اقتصادی روسیه، تلاش‌های برای انجام تغییرات در سیاست داخلی اقرار شوروی را نیز مدنظر

قرارداد. اساس این تلاش‌ها بر روش‌های جنگ اطلاعاتی و عملیاتی روانی استوار شده بود (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳: ۴۴). از همین رو، روسیه نیز خود را در محاصره دشمنان، به‌ویژه ناتو در غرب می‌بیند. مسکو سی سال پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۲۰۲۱ و ۲۲ سال از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین می‌کوشد تا دوباره خود را به‌عنوان نیروی سیاسی مسلط و تأمین‌کننده امنیت در منطقه معرفی کند. تنها اوکراین و سه کشور بالتیک که در سال ۲۰۰۴ به عضویت ناتو و اتحادیه اروپا دست یافتند، توانسته‌اند فراتر از کنترل مسکو بمانند. ایالات متحده هرگز کشورهای بالتیک را به‌عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی پس از الحاق مجدد اجباری آن‌ها در طول جنگ جهانی دوم به رسمیت نشناخت از همین رو برای روسیه، تغییرات غیرقابل قبول بوده است. اوکراین برای قرن‌ها جزء جدایی‌ناپذیر دولت مسکو محور بود و به‌عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه دفاعی، امنیتی و اقتصادی این کشور عمل کرد. آرزوی اوکراین پس از شوروی برای ادغام نزدیک‌تر با غرب و تلاش برای عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا برای اکثر روس‌ها غیرقابل تصور است، زیرا به قلب ماهیت دولت روسیه ضربه می‌زند - میراث، فرهنگ آن و مهم‌تر از همه، امنیت آن است. اوکراین همیشه حائلی بین مرکز روسیه و غرب بوده است، اما اکنون این حائل به‌شدت ضعیف شده است. این وضعیت بسیار دردناکی است که کرملین نمی‌تواند آن را تحمل کند. هدف نهایی کرملین این است که اطمینان حاصل کند که اوکراین در حوزه نفوذ روسیه باقی می‌ماند و از طریق حداقل تهدید نکردن یا آسیب رساندن به امنیت روسیه، در خدمت منافع روسیه است. در غیر این صورت، کرملین به دنبال تضعیف اوکراین تا حد ممکن است، از جمله با تجزیه کشور. تصرف اولیه کریمه توسط روسیه و مداخله آن در شرق اوکراین در حمایت از دولت‌های جدایی‌طلب جمهوری خلق دونتسک و لوهانسک (Berls, 2021:6). رهبران روسیه احساس در انزوا بودن و از دست رفتن پایگاه‌های خود دارند و برای رهایی از این امر در حوزه پیرامونی‌شان فعال شده‌اند. فعال شدن دوباره روسیه زمینه تنش در روابط مسکو و غرب را فراهم آورده است (زنده بودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۴).

در کل منافع روس‌ها در اوکراین عبارت‌اند از:

۱. از لحاظ تاریخی، روس‌ها، کیف را به‌مثابه خاستگاه تاریخی خود که اولین دولت روس در آن شکل گرفته، می‌نگرند. اوکراین برای قرون متمادی جزئی از خاک روسیه بود و تاریخ هر دو کشور دو درهم‌تنیده شده است. همچنین پاره‌ای از مهم‌ترین نبردهای تاریخی در راه آزادسازی روسیه با «نبرد پولاتوا» در سال ۱۷۰۹ رقم خورده است که در خاک اوکراین اتفاق افتاد.

۲. از لحاظ مذهبی، کیف خاستگاه و محل بنیان کلیسای ارتدکس روسیه محسوب می‌شود.
۳. از لحاظ هویتی و فرهنگی، نزدیک به ۲۰ درصد از جمعیت روس زبان اوکراین در بخش‌های شرقی این کشور پیوندهای فرهنگی، مذهبی و زبانی با روسیه دارند.
۴. از لحاظ اقتصادی، درصد زیادی از صنایع سنگین و مادر اتحاد جماهیر شوروی در اوکراین وجود داشت و پس از فروپاشی به اوکراین تعلق گرفت. همچنین حدود ۸۰ درصد گاز طبیعی روسیه به اروپا از طریق ۱۲ خط لوله گازی منتقل می‌شود که از این میزان پنج خط لوله، از خاک اوکراین می‌گذرند. از سوی دیگر حضور اوکراین در پروژه اتحادیه گمرکی اوراسیا نیز برای روسیه حائز اهمیت است. بنابراین روس‌ها از لحاظ اقتصادی توجه ویژه‌ای به این کشور دارند و این کشور ۴۴ میلیونی در سواحل شرقی و غربی دریای سیاه، مهم‌ترین کشور اروپای شرقی برای روسیه از نظر اقتصادی بشمار می‌آید. البته اوکراین نیز وابستگی شدیدی به اقتصاد روسیه داشته و مبادلات گسترده‌ای با روس‌ها دارد.
۵. از لحاظ استراتژیک، کشور اوکراین طی چهار قرن گذشته، نقش حائل اروپا و روسیه را ایفا کرده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مرز اتحادیه اروپا با روسیه محسوب شده است. بنابراین اوکراین به‌عنوان سنگرگاه روسیه در برابر ناتو و همچنین دیوار دفاعی شرقی روسیه علیه اروپا عمل کرده است. همچنین اوکراین برای روسیه، علاوه بر رقابت ژئوپلیتیک، در حوزه ژئواستراتژیک هم مطلوبیت راهبردی داشت. زیرا ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه نیز در بندر سواستوپل در شبه‌جزیره کریمه قرار داشت و این مکان برای روسیه دارای اهمیت راهبردی بود (زارع و زرگر، ۱۴۰۰: ۱۴۷).

### سیر تحول روابط اوکراین و روسیه از ۱۹۹۱ - ۲۰۲۲

به‌طور کلی سیر تحول روابط اوکراین و روسیه از زمان استقلال اوکراین در ۱۹۹۱ تا جنگ

۲۰۲۲ بدین شرح است:

- اوکراین مستقل شد (دسامبر ۱۹۹۱): اندکی پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین به استقلال رأی داد. اوکراین دومین کشور بزرگ اروپا از نظر وسعت است و جمعیت قابل توجهی از قومیت روسی دارد.

- تفاهم‌نامه بوداپست امضا شد (دسامبر ۱۹۹۴): این سند پس از توافق اوکراین برای انتقال تمام سلاح‌های هسته‌ای از جنگ سرد به فدراسیون روسیه امضا شد و اوکراین را به یک قدرت غیرهسته‌ای تبدیل کرد. پیش‌ازین، اوکراین سومین ذخایر بزرگ هسته‌ای جهان را در اختیار داشت. علاوه بر اوکراین، تفاهم‌نامه بوداپست توسط ایالات متحده، بریتانیا و روسیه نیز امضا شد. همه امضاکنندگان متعهد به احترام به حاکمیت اوکراین و حقوق آن در قلمرو آن هستند.
- انقلاب نارنجی (نوامبر - دسامبر ۲۰۰۴): نتایج انتخابات ریاست جمهوری بین ویکتور یوشچنکو، نامزد غرب‌گرا و ویکتور یانوکوویچ که مورد حمایت روسیه بود، جنجال بزرگی را ایجاد کرد. یوشچنکو قبل از انتخابات به طرز مرموزی مسموم شد اما توانست بهبود یابد. پیروزی به نفع یانوکوویچ اعلام شد، اما انتخابات به‌طور گسترده تقلبی تلقی شد. اوکراینی‌ها با پوشیدن رنگ نارنجی که رنگ کمپین یوشچنکو بود به خیابان می‌آیند. در ماه دسامبر، معترضان توانستند رأی‌گیری مجدد را وادار کنند که منجر به پیروزی یوشچنکو شد.
- روسیه با عضویت اوکراین در ناتو مبارزه کرد (آوریل ۲۰۰۸): در اوایل آوریل ۲۰۰۸، نشست سران ناتو با بحث‌های شدید درباره گسترش برنامه اقدام عضویت (MAP) به اوکراین آغاز شد. برای عضویت در ناتو، یک اتحاد نظامی بین ۲۸ کشور اروپایی و دو کشور آمریکای شمالی که به حفظ صلح و امنیت در منطقه اقیانوس اطلس شمالی اختصاص دارد، کشورها ابتدا باید یک نقشه داشته باشند. پوتین مخالفت خود با عضویت اوکراین را به رهبران ناتو می‌شناسد و در یک مقطع به رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش می‌گوید که اوکراین «حتی یک دولت ملت واقعی نیست». ناتو به اوکراین یک نقشه پیشنهادی نمی‌دهد.
- اعتراضات یورو میدان (نوامبر ۲۰۱۳ تا فوریه ۲۰۱۴): اعتراضات باعث تغییر ناگهانی در دولت شد رئیس‌جمهور یانوکوویچ که مجدداً نامزد ریاست جمهوری شد و در سال ۲۰۱۰ پیروز شد، پس از قول همکاری در جهت ایجاد رابطه با اتحادیه اروپا، جهت‌گیری سیاسی را تغییر داد و شروع به جهت‌دهی اوکراین به سمت روسیه کرد. این، همراه با دستگیری جنجالی مخالف سیاسی یولیا تیموشنکو، جرقه اعتراضات گسترده‌ای را در مورد فساد دولتی برانگیخت. تظاهراتی در سراسر کشور با محوریت میدان در کیف برگزار



می‌شود. حداقل ۱۳۰ نفر، عمدتاً غیرنظامیان، کشته می‌شوند. یانوکویچ به روسیه می‌گریزد، رهبری جدید متعهد می‌شود اوکراین را به سمت اتحادیه اروپا سوق دهد.

- روسیه کریمه را تصرف کرد (فوریه ۲۰۱۴ تا مارس ۲۰۱۴): اقدام روسیه خشم بین‌المللی ایجاد کرد روسیه پس از اعتراضات یورو میدان، کریمه، شبه‌جزیره اوکرائینی با جمعیتی عمدتاً قومی روسی را تصرف کرد. سربازان روسی با پوشیدن یونیفرم‌های نظامی که نشان‌های روسی برداشته شده است، مکان‌های کلیدی در شبه‌جزیره را اشغال می‌کنند. این الحاق خشم بین‌المللی را برانگیخته و توسط سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا محکوم شده است.

- ریاست جمهوری ولودیمیر زلنسکی (آوریل ۲۰۱۹): ولودیمیر زلنسکی، کم‌دین سابق، پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهور فعلی طرفدار روسیه را در انتخابات ریاست جمهوری با قاطعیت شکست داد. حزب زلنسکی همچنین اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست می‌آورد - این اولین بار در تاریخ اوکراین است. وعده‌های انتخاباتی زلنسکی شامل پایان دادن به جنگ با روسیه و ریشه‌کن کردن فساد در دولت اوکراین است.

- پوتین خواستار ضمانت‌های امنیتی شد (دسامبر ۲۰۲۱): در اوایل سال ۲۰۲۱، زلنسکی با الیگارش‌های اوکرائینی طرفدار روسیه، از جمله ویکتور مدودچوک، دوست نزدیک پوتین، سرکوب کرد. متعاقباً، پوتین تعداد فزاینده‌ای از نیروها را در نزدیکی مرز اوکراین مستقر می‌کند و مقاله‌ای منتشر می‌کند که در آن ادعا می‌کند روس‌ها و اوکرائینی‌ها «یک نفر هستند». تا دسامبر، ده‌ها هزار نیروی روسی در مرزها مستقر می‌شوند و پوتین خواسته‌هایی را به ناتو و ایالات متحده ارائه می‌کند. از جمله این خواسته‌ها این است که اوکراین هرگز در ناتو پذیرفته نشود - درخواستی که توسط دولت بایدن رد شد.

- روسیه مناطق جدانشده اوکراین را به‌عنوان حاکمیت به رسمیت می‌شناسد (۲۱ فوریه ۲۰۲۲): در سال ۲۰۱۴، مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین از اوکراین جدا شدند که دولت اوکراین آن‌ها را تروریست‌های موردحمایت روسیه می‌دانست. پس از فروپاشی روابط با ناتو و غرب در اواخر فوریه، پوتین این مناطق را به‌عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت و برای حفظ صلح نیرو فرستاد.

- تحریم روسیه توسط غرب ۲۲ فوریه: ایالات متحده، بریتانیا و متحدان آنها اعضای پارلمان روسیه، بانک‌ها و سایر دارایی‌ها را در پاسخ به دستور سربازان پوتین تحریم کردند. آلمان پروژه خط لوله گاز نورد استریم ۲ را متوقف کرد.
- حمایت خواهی جدایی‌طلبان ۲۳ فوریه ۲۰۲۲: رهبران جدایی‌طلب مورد حمایت روسیه از روسیه برای دفع تجاوز ارتش اوکراین کمک خواستند.
- روسیه تهاجم تمام‌عیار به اوکراین را آغاز کرد (۲۴ فوریه ۲۰۲۲): چند روز پس از به رسمیت شناختن سرزمین‌های جداشده، روسیه تهاجم تمام‌عیار به اوکراین را آغاز کرد. تهاجم به شرق اوکراین در دونباس آغاز شد. زلنسکی در اوکراین حکومت نظامی اعلام کرد و رسماً روابط دیپلماتیک با روسیه را قطع کرد. اقدامات پوتین در سراسر جهان و در داخل روسیه محکوم شد
- ۲۶ فوریه ۲۰۲۲: متحدان غربی تحریم‌های جدیدی از جمله محدودیت‌های بانک مرکزی روسیه و اخراج بانک‌های کلیدی از سیستم اصلی پرداخت جهانی را اعلام کردند (Fitzgerald, 2022; Reuters, 2022).

### دلایل حمله روسیه به اوکراین

ویژگی‌های ژئوپلیتیک اوکراین از یک سو و اهداف متضاد بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با سیاست‌های روسیه موجب می‌شود تا سیاست‌های روسیه در رابطه با اوکراین با مشکلات و موانع گوناگونی روبرو گردد و از مهم‌ترین موانع سیاست‌های غرب (آمریکا و اروپا) در قبال اوکراین است. آنچه بیش از هر چیزی روسیه را نگران می‌کند و بر اهمیت اوکراین برای روسیه می‌افزاید به آسیب‌پذیری امنیتی روسیه از اوکراین بازمی‌گردد. این کشور مهم‌ترین کشور حوزه خارج نزدیک محسوب می‌شود و اولویت اول و اصلی سیاست خارجی روسیه در همه ابعاد است که روسیه در آنجا برای خود منافع بسیار حیاتی قائل است. لذا پیوستن اوکراین به ناتو یا سایر سازمان‌های غربی برای روسیه غیرقابل قبول است و ناگزیر به مداخله روسیه است (صدیق، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۷). تا سال ۲۰۱۳، اوکراین نیز مانند آذربایجان، بین اتحادیه اروپا و روسیه بدون اینکه هیچ‌کدام را انتخاب کند، سرگردان بود. در اروپای شرقی تعادل نسبی بین اتحادیه اروپا و روسیه از نظر حوزه نفوذ وجود

داشت تا اینکه مولداوی با امضای توافقنامه همکاری یک توافق دوجانبه بین اتحادیه اروپا و یک کشور ثالث<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۳ اتحادیه اروپا را انتخاب کرد و بلاروس به همراه روسیه و قزاقستان یکی از اعضای بنیان‌گذار اتحادیه اقتصادی اوراسیا شد. اوکراین از بین اتحادیه اروپا و روسیه ابتدا روسیه را انتخاب کرد اما تحت فشار عمومی، مجبور شد قرارداد قبلی خود با روسیه را لغو کند و توافقنامه همکاری با اتحادیه اروپا را امضا کند که به هرج و مرج کشیده شد. محاسبات نادرست ژئوپلیتیکی اوکراین و انکار ذهنیت مجموع صفر سیاست‌گذاران روسی باعث ایجاد مناقشه دیگری در منطقه اروپای شرقی شد. اوکراین کریمه و سواستوپل را از دست داد و دو نهاد جدایی‌طلب، دوتسک و جمهوری‌های خلق لوهانسک، با حمایت روسیه در بخش شرقی اوکراین ظهور کردند (Abilov, 2019:5). والری گراسیموف<sup>۲</sup> آیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه، در سال ۲۰۱۳ در آکادمی علوم نظامی روسیه نیز توسعه استراتژی نظامی روسیه را با دو استراتژی در خارج از کشور معرفی کرده است: استراتژی اقدام محدود<sup>۳</sup> که در خارج از مرزهای روسیه تلاش می‌کند تا از طریق مداخلات محدود نظامی در خارج از منطقه با تهدیدات موجود علیه منافع ملی روسیه مقابله کند و شامل استفاده متمرکز از قدرت نظامی متعارف به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف ملی است (همچون اوکراین) و دوم استراتژی دفاع فعال<sup>۴</sup> که هدف آن خشی‌سازی پیشگیرانه تهدیدها از طریق اقدامات فعال است؛ بر این اساس، این می‌تواند پاسخی به مداخلات غربی یا به تعبیر گراسیموف مقابله با تهدید "اسب تروا"<sup>۵</sup> غرب برای نفوذ باشد (جعفری فر و شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۸). درحالی‌که در جنگ قره‌باغ در سطح عملی سیاست پوتین، دور محور احتیاط شکل گرفت اما توانست با رویکرد به‌ظاهر انفعالی اما ورود در زمان لازم برای برقراری آتش‌بس به‌عنوان حافظ صلح در قره‌باغ کوهستانی (ارمنستان و آذربایجان) با رویکرد مطلوب خوب دست یابد. روسیه توانسته بود پایگاه‌های نظامی خود را در ارمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و در منطقه جدایی‌طلب ترانس نیستریا در مولداوی مستقر کند؛ همچنین توانسته بود با سیاست انفعالی موفق به ایفای نقش حافظ صلح در مناطق

<sup>۱</sup> the Association Agreement (AA)

<sup>۲</sup> Valery Gerasimov

<sup>۳</sup> limited action

<sup>۴</sup> Active defense

<sup>۵</sup> Trojan Horse

به اصطلاح درگیری‌های منجمد یا درگیری‌های مدیریت شده مانند دونباس (اوکراین) و ترانس نیستریا (مولداوی) کند اما اقدام به الحاق کامل کریمه اقدامی تهاجمی بود که نشان‌دهنده عزم مسکو برای حفظ و گسترش حوزه نفوذ خود به‌ویژه هنگامی که معتقد بود که منافع ملی و حیاتی او توسط غرب یا نیروهای داخلی قدرتمند در معرض تهدید قرار گرفته است. این پیامی برای بلاروس و قزاقستان نیز است. مسکو متقاعد شده است که می‌تواند مداخله نظامی و سیاسی بدون خطر درگیری نظامی مستقیم با غرب و البته واکنش جدی سیاسی و اقتصادی به استثناء کشورهای بالتیک که عضو ناتو هستند، داشته باشد. هرگونه حمله روسیه به این سه کشور به‌طور خودکار ماده ۵ پیمان ناتو و مداخله نیروهای ناتو را در پی خواهد داشت (Berls, 2021:6).

بنابراین پوتین برای براندازی آنچه او به‌عنوان نظم ناعادلانه پس از جنگ سرد می‌داند و ایجاد نظم جدیدی در پی یک حمله نظامی به اوکراین برآمد که شرایطی نیز موجب قاطعیت این تصمیم و اقدام شد از جمله:

۱- از نظر ولادیمیر پوتین، آشفتگی سیاسی آمریکا، مشکلات بایدن در دستیابی به برنامه داخلی خود، همراه با قدرت گرفتن چین به ضرر ایالات متحده از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، به نظر می‌رسد که منعکس‌کننده وضعیت مخمضه روسیه بلافاصله پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی است. از نظر پوتین، وضعیت مخمضه آمریکا یک فرصت نادر است. همان‌طور که کرملین ارزیابی می‌کند، اگر ایالات متحده واقعاً در داخل در یک وضعیت فروپاشی و در خارج از کشور در حال عقب‌نشینی است، شاید روسیه می‌تواند ۳۰ سال گذشته سلطه آمریکا در امنیت اروپا را دگرگون کند، علاوه بر آن استقلال اوکراین را محدود کند.

۲- مسکو همچنین فرصت کافی برای استفاده از تحولات اروپای غربی و شرقی را می‌بیند. طنین برگزیت، اختلافات لهستان و مجارستان با اتحادیه اروپا، میراث چهار سال شکاف بین ایالات متحده و متحدان اروپایی آن در دوران هیاهوی ریاست جمهوری ترامپ، خروج آنگلا مرکل صدراعظم آلمان از صحنه سیاسی، تدارک انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه و خروج سریع واشنگتن از افغانستان، دیگر اصطکاک‌ها و شکاف‌ها را در ناتو و اتحادیه اروپا تشدید کرده است که روسیه می‌تواند از آن‌ها سوءاستفاده کند.

۳- در واقع، پوتین اکنون خود را به آینده هر دو کشور روسیه و اوکراین وابسته کرده است. هرگونه حرکتی علیه روسیه یا تغییر سیاسی در اوکراین به تهدیدی برای موقعیت قدرت او در آستانه انتخابات ریاست

جمهوری روسیه در سال ۲۰۲۴ تبدیل می‌شود. وقتی خود پوتین تهدید می‌کند (Hill, 2022:5).

۴- باید گفت از منظر غرب، پایان جنگ سرد جای خود را به ظهور نظم ژئوپلیتیکی خاصی داده است. تغییرات در وضعیت ژئوپلیتیک و امنیتی اروپا که توسط روسیه برانگیخته شد، اتحادیه اروپا را ترغیب کرد تا چارچوب جامع جدیدی را برای سیاست خارجی و امنیتی خود ایجاد کند. استراتژی جهانی جدید اتحادیه اروپا با عنوان " چشم‌انداز مشترک، اقدام مشترک: اروپای قوی‌تر"<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) از نظر کیفی با اولین استراتژی امنیتی اروپا، «یک اروپای امن در دنیای بهتر» (۲۰۰۳) متفاوت است. در اولین استراتژی امنیتی اروپا، اتحادیه اروپا توسعه «دنیای کشورهای دموکراتیک با اداره خوب»<sup>۲</sup> را به‌عنوان پیش‌شرط امنیت و ثبات خود پیش‌بینی کرد؛ بنابراین، اتحادیه اروپا به‌طور فعال درگیر ترویج دموکراسی در همسایگی‌های شرقی و جنوبی خود از طریق سیاست همسایگی اروپا بود و اصول بشردوستانه مختلفی را برای دستیابی به اهداف خود به برنامه‌های خود پیوست (Abilov, 2019:5) لازم به ذکر است که دولت اوکراین گفته است که برای عضویت در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۴ درخواست خواهد کرد و همچنین جاه‌طلبی برای پیوستن به ناتو دارد (Kulakevich, 2022:3). بنابراین نگرانی روسیه از گسترش ارزش‌های غربی در همسایگی خود در اوکراین از دلایل حمله می‌تواند باشد.

#### اقدام تهاجمی و پیامدهای منطقه‌ای برای روسیه

بحران در اوکراین، اصل اصلی حاکم بر نظم بین‌المللی صلح و امنیت پس از جنگ جهانی دوم را که در منشور سازمان ملل متحد ذکر شده است - یعنی ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر یک از آن‌ها تهدید می‌کند. تهاجم روسیه به اوکراین یک چالش مستقیم برای نظم پس از جنگ در اروپا است که از طریق نهادهای چندجانبه مانند اتحادیه اروپا و ناتو و تحت حمایت قدرت ایالات متحده بیان شده است. پیامدهای جهانی گسترده‌تر این درگیری و فروپاشی روابط غرب با روسیه که باعث تشدید آن شده است، چندان واضح نیست. درحالی‌که از نظر جغرافیایی این جنگ در اروپا است، نحوه انجام ژئوپلیتیک منازعه در ماه‌های آینده احتمالاً نه تنها چشم‌انداز اروپا، بلکه الگوهای طولانی مدت روابط بین شمال جهانی و جنوب جهانی را تغییر خواهد

<sup>۱</sup> Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe

<sup>۲</sup> world of well-governed democratic states

داد (Pantuliano, 2022:4). باید گفت هرچند دست‌یابی به مهم‌ترین هدف استراتژیکی روسیه با آغاز درگیری با اوکراین هرچند احتمال کوتاه‌مدت پیوستن اوکراین به ناتو را مختل کرد و روسیه از دفاع جمعی ناتو در امان ماند چراکه اوکراین هرچند عضو ناتو نیست اما این کشور از برخی مزایای کشورهای عضو برخوردار است (Kernan-Schmidt, 2020:8). به‌علاوه به نظر می‌رسد که تجاوز روسیه به اوکراین برعکس هدف موردنظر خود را محقق کرده است. این امر اوکراین را به غرب نزدیک‌تر کرده و باعث خروج اوکراین از دنیای تحت سلطه روسیه پس از شوروی شده است. این کشور همسایه که زمانی دوست و وابسته بود امروز به دشمن تبدیل شده است که دیگر از نظر اقتصادی یا استراتژیک به روسیه متکی نیست. هرگونه امید روسیه مبنی بر اینکه اوکراین به عضویت اتحادیه اقتصادی اوراسیا درآید، از بین رفته است. به‌طور غیررسمی، بسیاری از اوکراینی‌ها و روس‌ها هنوز روابط شخصی نزدیکی دارند، اما آرزوها و روابط اوکراینی به‌طور فزاینده‌ای در حال تغییر به سمت غرب هستند. امروزه اوکراینی‌ها کمتر در روسیه زندگی و کار می‌کنند و در عوض به لهستان و دیگر کشورهای غربی نقل مکان می‌کنند. اوکراینی‌ها بیش از هر زمان دیگری خود را اروپایی معرفی می‌کنند (Berls, 2021:6). در سوی دیگر روسو فویوا یا نگرش منفی نسبت به روسیه امروز در اوکراین و جاهای دیگر نتیجه مستقیم مداخلات نظامی روسیه است که پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده‌تری در اروپا خواهد داشت. از جمله اولین نشانه‌ها این است که فنلاند و سوئد عجله دارند تا بر انتخاب مستقل خود برای اتحاد تأکید کنند و کشورهای عضو شرقی خواستار اقدامات اطمینان‌بخش ناتو هستند. اگر هدف بزرگ‌تر تضعیف انسجام اروپا و ترانس آتلانتیک باشد، یک پیروزی کوتاه‌مدت تاکتیکی در اوکراین می‌تواند به یک ضرر استراتژیک بلندمدت برای مسکو تبدیل شود. روسیه هشدار داده است که اگر فنلاند و سوئد به ناتو بپیوندند، این تصمیم آن‌ها را فوراً از کشورهای بی‌طرف به کشورهای متخاصم و اهداف بالقوه روسیه تبدیل خواهد کرد (ITV, 2022).

درحالی‌که تصور می‌شد وابستگی کشورهای قفقاز به روسیه تشدید شده است اما مشاهده می‌شود که ارمنستان در رأی‌گیری تعلیق عضویت روسیه در شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۸ آوریل ۲۰۲۲ شرکت نکرد و موضع خود را مجدداً تأیید کرد. مشاور امنیت و سیاست خارجی، سوسی تاتیکیان، درباره رویکرد ارمنستان اظهار داشت: «ارمنستان منعکس‌کننده تضاد بین ارزش‌های ادعایی دموکراسی و حقوق بشر از یک‌سو و منافع اقتصادی و امنیتی ژئوپلیتیکی از سوی دیگر است» (Hovhannisyanyan, 2022:2). این بی‌طرفی با ممتنع در مجمع عمومی سازمان ملل متحد علیه

روسیه در ۲ مارس ۲۰۲۲ به وضوح نیز نشان داده شده بود<sup>۱</sup> ممکن است این تصور ایجاد شود که مداخله مسکو در سیاست داخلی ارمنستان به سبب نارضایتی‌ها ممکن است افزایش یابد و تمایل کرملین را برای کنترل بیشتر بر فرآیندهای داخلی در کشورهایی مانند ارمنستان تقویت کند. بنابراین، حمله روسیه به اوکراین به طور قابل توجهی وضعیت نامطمئن ژئوپلیتیک ارمنستان را پیچیده کرده است. به عبارتی اقدام متعادل ایروان بین روسیه و غرب به مرور زمان دشوارتر خواهد شد. در ۴ مارس، دو روز پس از رأی‌گیری فوق‌الذکر مجمع عمومی سازمان ملل، یک تماس تلفنی بین وزرای خارجه روسیه و ارمنستان - سرگئی لاوروف و آرارات میرزویان انجام شد. در قرائت رسمی فراخوان منتشر شده توسط وزارت امور خارجه روسیه آمده است که وزرا از جمله در مورد موضوع "هماهنگی رویکردها" در عرصه بین‌المللی گفتگو کردند. کاملاً واضح است که مسکو از رأی متمنع ایروان در سازمان ملل ناراحت بود و از این فراخوان برای سرزنش استفاده کرد (Grigoryan, 2022:2). این در حالی است که برخی از شخصیت‌ها و فعالان سیاسی که هرگونه احساسات ضد روسی را به شدت محکوم می‌کنند و اذعان می‌کنند که روسیه تنها کشوری است که به جنگ پایان داد، در حالی که اتحادیه اروپا و ایالات متحده با انفعال خود اجازه دادند خونریزی ادامه یابد. افرادی چون آرتور وانتسیان، رئیس سابق سرویس امنیت ملی در موضع‌گیری خود در قبال بحران قره‌باغ گفته است که هیچ متحدی بهتر از روسیه برای ارمنستان وجود ندارد (Terzyan, 2022:3). به نظر برخی درگیر شدن روسیه در اوکراین به تزلزل توافقنامه آتش‌بس در نوامبر ۲۰۲۰ که به جنگ ۴۴ روزه برای قره‌باغ کوهستانی منجر می‌شود چراکه اولاً صلح در سایه روسیه به مذاکرات دیپلماتیک و تعامل بسیار محدود بین ارمنستان و آذربایجان منجر شده و فضایی از ناامنی و عدم اطمینان را ایجاد کرده است. به علاوه با از بین رفتن شهرت نیروهای مسلح روسیه در نتیجه حمله نافرجامش در اوکراین، هر روز که می‌گذرد مانند یک شریک کمتر قابل اعتماد به نظر می‌رسد. گغام استپانیان، بازرس

<sup>۱</sup> ۱۴۱ کشور از ۱۹۳ کشور عضو مجمع عمومی به تصویب این قطعنامه رای مثبت دادند. الجزایر، آنگولا، ارمنستان، بنگلادش، بولیوی، برونیدی، جمهوری آفریقای مرکزی، چین، کنگو، کوبا، السالوادور، گینه، استوایی، هندوستان، ایران، عراق، قزاقستان، قرقیزستان، لائوس، ماداگاسکار، مالی، مغولستان، موزامبیک، نامیبیا، نیکاراگوئه، پاکستان، سنگال، آفریقای جنوبی، سودان جنوبی، سری لانکا، سودان، تاجیکستان، تانزانیا، اوگاندا، ویتنام، وزیمبابوه رای متمنع دادند؛ آذربایجان، بورکینافاسو، کامرون، اسواتینی، اتیوپی، گینه، گینه بیسائو، مراکش، ترکمنستان، ازبکستان و ونزوئلا رای ندادند (Ferguson, 2022).

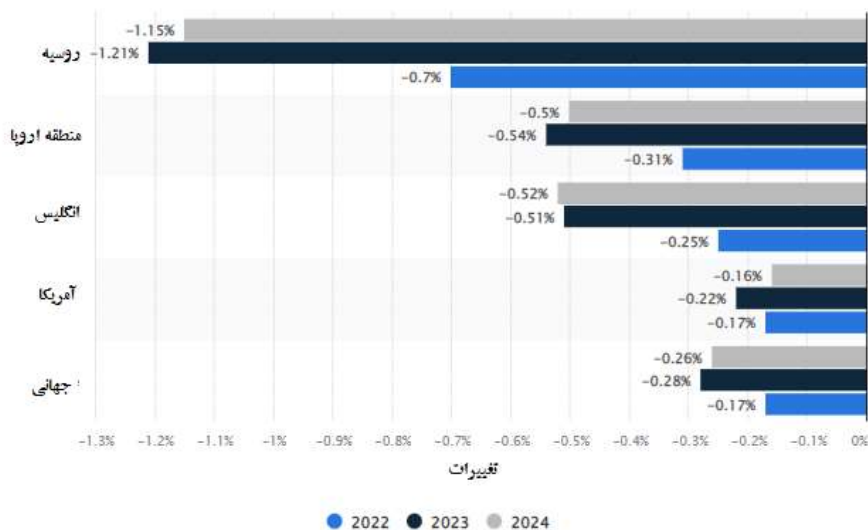
حقوق بشر برای جمهوری خود خوانده قره باغ بیان می‌دارد "مأموریت حفظ صلح که فقط بر اساس نفوذ سیاسی روسیه باشد آسیب‌پذیر است". به گفته وی، "طرف آذربایجانی در تلاش است آبروی صلح بانان روسی و مأموریت آن‌ها را زیر سؤال ببرد." (Gavin, 2022:05). به عبارت دقیق‌تر، در مورد توانایی مستمر روسیه برای ایفای نقش به‌عنوان یک تعدیل‌کننده ژئوپلیتیک، عدم اطمینان ایجاد خواهد شد. در جنگ ۲۰۲۰ قره باغ، روسیه به‌عنوان میانجی کلیدی عمل کرد و صلح شکننده را در منطقه به ارمغان آورد به‌علاوه عامل دیگری که می‌تواند ثبات در منطقه را بیشتر تضعیف کند، برگزاری همه‌پرسی برنامه‌ریزی شده در اوستیای جنوبی برای الحاق این سرزمین به فدراسیون روسیه است. درحالی‌که مقامات محلی در تسخینوالی چندین بار خواستار اتحاد با روسیه شده‌اند، شرایط فعلی چنین ادعاهایی را به‌طور بالقوه انفجاری می‌کند (Sichinava, 2022:3).

روسیه اکنون درگیر مسائل مهم‌تری چون تحریم‌ها شده است. تحریم‌ها بر توسعه اقتصادی در منطقه تأثیر می‌گذارد و به‌طور بالقوه می‌تواند شامل پروژه‌های انرژی روسیه نیز شود. به نظر می‌رسد این روند روسیه را به چین نزدیک‌تر کند زیرا این کشور به دنبال منابع مالی غیرعربی برای پروژه‌های توسعه حیاتی قطب شمال است؛ بنابراین روابط روسیه از غرب فاصله بیشتر خواهد گرفت. هرچند روس‌ها با قطع عرضه انرژی (گاز و نفت) به اروپا منجر به اختلالات اقتصادی بزرگ و افزایش تورمی دیگر در قیمت‌های انرژی می‌شوند ولی در بلندمدت، تحریم‌های اقتصادی علیه دولت روسیه، بانک‌ها و سایر شرکت‌ها آسیب بزرگی به اقتصاد روسیه وارد می‌کند (Wilsoncenter, 2022:4). باید در نظر گرفت که روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گندم در جهان است که ۱۸ درصد از صادرات جهانی را به خود اختصاص داده است. اوکراین ۷ درصد دیگر را به خود اختصاص داده است. روسیه همچنین بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی ۲۵ (درصد)، پالادیوم ۲۳ (درصد)، نیکل ۲۲ (درصد) و کودهای شیمیایی ۱۴ (درصد) است. همچنین ۱۸ درصد از صادرات جهانی زغال‌سنگ، ۱۴ درصد پلاتین، ۱۱ درصد نفت خام و ۱۰ درصد از آلومینیوم تصفیه‌شده را به خود اختصاص داده است. تخمین زده می‌شود که تهاجم روسیه به اوکراین، اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۲، ۰٫۱۷ درصد کاهش می‌یابد. علاوه بر این، به دلیل تحریم‌های اعمال‌شده بر روسیه، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد این کشور در سال ۲۰۲۲ ۰٫۷ درصد و در سال ۲۰۲۳ ۱٫۲۱ درصد کاهش یابد (Statista, 2022). گزارش‌های سازمان ملل بیان می‌دارد که با حمله روسیه به اوکراین تقریباً ۳۰۰۰ غیرنظامی کشته یا زخمی شده‌اند، ۶٫۵ میلیون نفر آواره داخلی و ۴ میلیون نفر مجبور به فرار به کشورهای همسایه شده‌اند. دولت



اوکراین هزینه‌های اقتصادی جنگ را حدود ۵۷۰ میلیارد دلار اعلام کرده است. روسیه و اوکراین روی هم تنها ۲ درصد از تجارت جهانی و تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل می‌دهند، درحالی‌که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در روسیه و روسیه حدود ۱ درصد از کل جهان را تشکیل می‌دهد. با این حال، هر دو تأمین‌کنندگان عمده کالاها هستند: گندم، ذرت، آفتابگردان، کود، سوخت و فلزات که قیمت آن‌ها از زمان شروع درگیری به شدت افزایش یافته است. بر اساس یک فرض محتمل محافظه‌کارانه از افزایش ۱۰ درصدی قیمت‌های جهانی گندم، غذا، سوخت و محصولات فلزی در طول سال، تخمین زده می‌شود که تأثیر منفی جنگ از طریق کانال‌های تجاری این محصولات بر کشورهای با درآمد کم و متوسط در سال جاری حداقل ۱۸ میلیارد دلار ارزش دارند. کشورهای آسیای شرقی و اقیانوس آرام - عمدتاً واردکنندگان نفت - ممکن است بیشترین تأثیر منفی را در سال جاری، به ارزش ۲۹ میلیارد دلار و پس‌از آن آسیای جنوبی (۱۵ میلیارد دلار) تجربه کنند (Pantuliano, 2022:4).

تأثیر تخمینی بحران اوکراین بر رشد اقتصادی جهانی از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴



(Statista, 2022)

در کل این بحران تضعیف مداوم چندجانبه‌گرایی جهانی را که در دوران دونالد ترامپ آغاز شد، تسریع می‌کند، زیرا کشورها از نهادهای جهانی عقب‌نشینی می‌کنند و بلوک‌های قدرت منطقه‌ای خود را کاهش می‌دهند. اگرچه ناتو از مرگ برخاسته است و اتحادیه اروپا از لحظه اجماع بی‌سابقه‌ای

در سیاست خارجی لذت می‌برد، اما در جاهای دیگر چشم‌انداز همکاری بین‌المللی در مورد مسائل مبرمی مانند آب‌وهوا، فقر و از دست دادن تنوع زیستی به‌طور فزاینده‌ای شکننده به نظر می‌رسد. باقی‌مانده بلوک بریکس در واکنش به درگیری مجدد بین قدرت‌های جهان اول و دوم سابق (و به عبارتی کاهش‌یافته) به‌طور منفعلانه بی‌طرف بوده و از کنار گذاشتن اولویت‌های خود در صحنه بین‌المللی استقبال نخواهند کرد. (Martin & Hopkins, 2022)

### نتیجه‌گیری

قفقاز جنوبی و اوکراین در خارج نزدیک روسیه قرار دارند و تحولات در این دو منطقه با حساسیت روسیه همراه است. با شروع جنگ بین آذربایجان و ارمنستان در ۲۰۲۰ بر سر قره‌باغ واکنش نسبتاً بی‌طرف روسیه نسبت به درگیری از یک سو نشان‌دهنده سرخوردگی از عدم انعطاف‌پذیری ارمنستان در مذاکرات و برتری آذربایجان بود با این حال روسیه به نفع ارمنستان برای تغییر توازن قوا وارد جنگ نشد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل این اقدام تغییر گرایش سیاست ارمنستان به سوی غرب بوده است لذا پوتین نیاز به استراتژی جدید برای مهار ارمنستان و یافتن جای پای معتبر در منطقه داشت. از این رو، شکست ارمنستان توسط آذربایجان، سطح آسیب‌پذیری ایروان وابستگی به روسیه را بیشتر کرد. روسیه توانست بدون جنگ پس از جنگ ۲۰۲۰، نفوذ خود را در قفقاز افزایش دهد به طوری که طبق توافق آتش‌بس که بین نیکول پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و با میانجیگری ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه امضا شد، حدود ۲۰۰۰ نیروی حافظ صلح روسیه در قره‌باغ کوهستانی مستقر شدند. علاوه بر این، روسیه به‌عنوان یک کشور مؤثر برای برقراری ثبات و امنیت شناخته شد. بنابراین کرملین به انواع منابع قدرت نرم یا سخت پس از این بحران برای گسترش نفوذ در منطقه برای دستیابی به منافع خود دست‌یافت.

در سوی دیگر پوتین نسبت به شرق اروپا که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ باسیاست گسترش ناتو به شرق مورد انتقاد قرار داده است موجب شد تا تمایل دولت غرب‌گرای اوکراین را برای پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو را تحمل نکند و آن را یک اقدام تحریک‌آمیز علیه امنیت خود بداند. در نتیجه، کیف در تعقیب یک سیاست خارجی غرب‌گرایانه که مخالف منافع روسیه است درگیری نظامی شد. همچنین این جنگ پیامدهای اجتماعی خود را دارد

که بر توسعه اروپا تأثیر می‌گذارد. پیامدهای اجتماعی جنگ در اوکراین مانند مهاجرت، بیکاری، رشد جرم و جنایت، کاهش جمعیت و غیره تأثیر دارد. به‌طور کلی اقدام روسیه بر امنیت و ثبات ژئوپلیتیکی اروپا و سایر کشورهای جهان تأثیر خواهد گذاشت و از یک‌سو به انسجام اتحادیه اروپا و تمایل کشورهای جدید در فضای روسو فوبیا یا روسیه هراسی برای پیوستن به ناتو منجر می‌شود و از سوی دیگر اثرات جهانی جنگ در اوکراین معطوف به پیامدهایی در بخش دیگر خارج نزدیک یعنی قره‌باغ است که از یک‌سو به کاهش امنیت قره‌باغ به سبب ناتوانی روسیه در پیروزی بر اوکراین و به چالش کشیدن نظم با بی‌اعتباری نقش روسیه خواهد شد. بدین ترتیب جنگ اوکراین نه تنها وضعیت امنیتی اروپا بلکه قره‌باغ را دچار دگرگونی می‌کند.

## کتابنامه

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۳)، «منازعه غرب و روسیه در قالب انقلاب های نارنجی و آبی در اوکراین»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۷، آذر، صص ۵۶-۳۳
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۸۶)، «از انقلاب نارنجی تا انقلاب آبی در اوکراین»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۸، صص ۷۲-۴۹.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۸۶)، «کالبدشناسی انقلاب های رنگین»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، شماره ۱.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۸۷)، «گرجستان: از انقلاب رز تا جنگ با روسیه»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۴-۱.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار، صص ۵۴-۹.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله و مرتضی کریمی (۱۳۹۸)، «جغرافیای سیاسی قفقاز جنوبی، تهران: انتشارات علوم و فنون رازی.
- احمدی یقین، محمدرضا (۱۳۹۹)، «تبیین سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۵، پاییز، صص ۱۴۹-۱۱۴
- پولاب، ش (24, 09 1399). پشت پرده صلح بانی روسیه و ترکیه در آذربایجان : <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1997986>
- جعفری فر، احسان؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۴۰۰)، «سیاست روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، سال یازدهم شماره ۴، پیاپی ۴۳، زمستان، صص ۸۵-۵۷
- جوکار، ع ا. (10, 1399). روسیه، نقش محوری در توافق صلح قره باغ و پیامدهای آن : <https://ipis.ir/portal/subjectview/622351>
- خوش‌آیند، ح (27, 08 1399). منافع روسیه در توافق آتش‌بس قره‌باغ : <https://basirat.ir/fa/news/326260>
- خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، «روسیه و مناقشه قره‌باغ»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۲، تابستان، صص ۱۲۳-۹۷
- درآباد، ق ن. (29, 09 1399). تحرکات معنادار روسیه در قره باغ کوهستانی : <https://madaresharghi.ir/?p=27962>

زارع، علی؛ زرگر، افشین (۱۴۰۰)، «سیاست تطبیقی روسیه در بحران قره‌باغ و اوکراین»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان، صص ۱۵۷-۱۳۰.

زنده بودی، عباسعلی؛ ابراهیمی، شهروز؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۶)، «روابط غرب - روسیه در سایه تحولات اوکراین ۲۰۱۴»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز، صص ۵۹ - ۸۲

طاهری، ا. (2013, 09 23). آتش‌بس در قفقاز و روسیه ضامن صلح : <https://www.independentpersian.com/node/97936>

فلاحی، احسان؛ عامری، اسداله (۱۳۹۵)، «ریشه های بحران اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان، صص ۹۲-۶۵.

الهی نیا، میلاد؛ شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۰)، «پیامدهای امنیتی بحران قره‌باغ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۶، بهار، صص ۴۷-۲۶

Abilov, S. (2019:5). Why the Neutrality of Azerbaijan Is Important for the European Union: <https://www.insightturkey.com/commentaries/why-the-neutrality-of-azerbaijan-is-important-for-the-european-union>

Armradio. (2021). Minsk Group co-chairing countries welcome Russia's mediating efforts in Karabakh - Lavrov: <https://en.armradio.am/2021/12/02/minsk-group-co-chairs-welcome-russias-mediating-efforts-in-karabakh-lavrov/>

Berls, R. (2021:6). <https://www.nti.org/analysis/articles/strengthening-russias-influence-in-international-affairs-part-ii-russia-and-its-neighbors-a-sphere-of-influence-or-a-declining-relationship/>: Strengthening Russia's Influence in International Affairs, Part II: Russia and Its Neighbors: A Sphere of Influence or a Declining Relationship?

Brezar, A., & Crowcroft, O. (2022). What's really behind Putin's invasion of Ukraine?: <https://www.euronews.com/my-europe/2022/02/24/what-s-really-behind-putin-s-invasion-of-ukraine>

Dermoyan, H. (2022). Russian Policy Changes in the Nagorno-Karabakh Conflict: <https://evnreport.com/magazine-issues/russian-policy-changes-in-the-nagorno-karabakh-conflict/>

Ferguson, E. (2022). Which countries abstained from UN vote on Ukraine? Result of General Assembly's resolution on Russia explained: <https://inews.co.uk/news/un-vote-ukraine-russia-countries-abstained-general-assembly-result-resolution-explained-1495346>

- Fitzgerald, M. (2022). Russia Invades Ukraine: A Timeline of the Crisis: <https://www.usnews.com/news/best-countries/slideshows/a-timeline-of-the-russia-ukraine-conflict?slide=12>
- Gavin, G. (2022:05). With Russia tied down in Ukraine, other frozen conflicts are thawing: <https://www.newstatesman.com/international-content/2022/03/with-russia-tied-down-in-ukraine-other-frozen-conflicts-are-thawing>
- Grigoryan, T. (2022:2). Russia's war could spell trouble for Armenia and Nagorno-Karabakh: <https://oc-media.org/opinions/opinion-russias-war-could-spell-trouble-for-armenia-and-nagorno-karabakh/>
- Hill, F. (2022:5). Russia's assault on Ukraine and the international order: Assessing and bolstering the Western response: <https://www.brookings.edu/testimonies/russias-assault-on-ukraine-and-the-international-order-assessing-and-bolstering-the-western-response/>
- Hovhannisyian, T. (2022:2). Why Armenia is neutral on the war in Ukraine: <https://neweasterneurope.eu/2022/04/12/why-armenia-is-neutral-on-the-war-in-ukraine/>
- ITV. (2022). 'Ukraine can win this war': Top Nato diplomat says Russia is 'losing momentum': <https://www.itv.com/news/2022-05-14/ukraine-has-won-the-battle-of-kharkiv-as-russian-troops-withdra>
- Kernan-Schmidt, C. (2020:8). Evaluating Russia's Grand Strategy in Ukraine: <https://www.e-ir.info/2020/07/06/evaluating-russias-grand-strategy-in-ukraine/>
- Kulakevich, T. (2022:3). Five things to know about why Russia might invade Ukraine - and why the US is involved: <https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/five-things-to-know-about-why-russia-might-invade-ukraine-and-why-the-us-is-involved/articleshow/89086100.cms?from=mdr>
- Liik, K. (2020:4). How Russia is winning at its own game: <https://ecfr.eu/article/upheaval-in-belarus-and-nagorno-karabakh-how-russia-is-winning-at-its-own-game/>
- Martin, B., & Hopkins, C. (2022). Beyond Ukraine: the new geopolitics of green economy: <https://www.greeneconomycoalition.org/news-and-resources/beyond-ukraine-the-new-geopolitics-of-green-economy>
- Minzarari, D. (2020, 11 12). Russia's Stake in the Nagorno-Karabakh War: Accident or Design?: <https://www.swp-berlin.org/en/publication/russias-stake-in-the-nagorno-karabakh-war-accident-or-design/>
- ORUÇ, M. Ş. (2020:2). How Vladimir Putin punished Nikol Pashinian: <https://www.dailysabah.com/opinion/columns/how-vladimir-putin-punished-nikol-pashinian>

- Pantuliano, S. (2022:4). The systemic impacts of the war in Ukraine: a triple shock: <https://odi.org/en/insights/the-systemic-impacts-of-the-war-in-ukraine-a-triple-shock/>
- RÁCZ, A. (2020, oct 30). <https://dgap.org/en/research/publications/war-nagorno-karabakh>: <https://dgap.org/en/research/publications/war-nagorno-karabakh>
- Reuters. (2022). Timeline: The events leading up to Russia's invasion of Ukraine: <https://www.reuters.com/world/europe/events-leading-up-russias-invasion-ukraine-2022-02-28/>
- Sichinava, D. (2022:3). South Caucasus and Russia's War in Ukraine: <https://carleton.ca/eurus/2022/south-caucasus-and-russias-war-in-ukraine-by-david-sichinava/>
- Snyder, X. (2018, jun 27). Azerbaijan asserts its power in the South Caucasus: <https://www.euractiv.com/section/azerbaijan/opinion/azerbaijan-asserts-its-power-in-the-southcaucasus/>
- Statista. (2022). Estimated impact of the Ukraine crisis on global economic growth from 2022 to 2024: <https://www.statista.com/statistics/1293846/estimated-impact-of-russia-s-invasion-of-ukraine-on-global-economic-growth/>
- Talmazan, Y. (2022:3). From buildup to battle: Why Putin stoked a Ukraine crisis — then launched an invasion: <https://www.nbcnews.com/news/world/why-putin-invaded-ukraine-russia-war-explained-rcna16028>
- Tertrais, B. (2021, AUG 06). Armenia-Azerbaijan: The Fire Beneath the Ashes: **HYPERLINK** "https://www.institutmontaigne.org/en/blog/armenia-azerbaijan-fire-beneath-ashes" <https://www.institutmontaigne.org/en/blog/armenia-azerbaijan-fire-beneath-ashes>
- Terzyan, A. (2022:3). Ukraine Amid Russian Aggression: A View from Armenia: <https://moderndiplomacy.eu/2022/03/06/ukraine-amid-russian-aggression-a-view-from-armenia/>
- Wilsoncenter. (2022:4). World Reaction to the Invasion of Ukraine: <https://www.wilsoncenter.org/article/world-reaction-invasion-ukraine>